

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰
صفحات ۱۳۱ - ۱۵۲

بررسی تطبیقی نگرش و رفتار نخبگان و عالمان دینی مشرق و مغرب اسلامی درباره جنگ‌های صلیبی

بررسی دیدگاه‌های غزالی، سلمی، ابن‌عساکر در شرق، ابوبکر ابن‌العربی و

محبی‌الدین عربی در غرب*^۱

عبدالله ناصری‌طاهری^۲

چکیده

با بررسی اندیشه سیاسی عالمان و نخبگان مسلمانی که در روزگار جنگ صلیبی می‌زیستند، به انفعال شماری از آنان در برابر پدیده مهم و فراگیر حمله صلیبی می‌توان پی برد. اینان به‌رغم جایگاه اجتماعی و دینی‌شان، ضرورت وحدت ملی اسلامی را در رویارویی با اشغال‌گران صلیبی نادیده گرفتند و بیش‌تر به مسائل داخلی و درون‌دینی جامعه اسلامی پرداختند و چنانچه کسانی درباره این اشغال و تجاوز واکنشی نشان داده و امیران و رعایا را به رویارویی با آنان برانگیخته باشند، با رویکرد شریعت‌محور و بر پایه فقه و اخلاق و با طرح بحث «جهاد» این موضوع را دنبال کرده‌اند. رویکرد عالمان و نخبگان حوزه شرق اسلامی در این‌باره، با رویکرد نخبگان مغرب اسلامی (شمال آفریقا و اندلس) متفاوت بوده است؛ عالمان مغرب که اشغال و ایستادگی مسیحیان را در برابر مسلمانان زودتر و بیش‌تر از مشرقیان دیده بودند، با رویکردی فعالانه به جنگ‌های صلیبی و اشغال شرق مدیترانه سرزمین شام پرداختند.

کلیدواژگان

جنگ‌های صلیبی، اندیشه سیاسی فقیهان، غزالی، سلمی، ابن‌عساکر، ابوبکر ابن‌العربی، محبی‌الدین ابن‌عربی

* این مقاله در قالب طرح ملی «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی» با پشتیبانی «صندوق حمایت از پژوهشگران کشور»، به شماره ۸۵۱۱۱/۳۵ سامان یافته و برای نامه پژوهش انجمن ایرانی تاریخ اسلام فرستاده شده است.

۱. تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۱۵. تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۱۷.

۲. استادیار دانشگاه الزهرا و انجمن مطالعات جنگ صلیبی و شرق لاتین. naseri_na@yahoo.com

رویداد جنگ‌های صلیبی که مردمان بخش‌هایی از شرق جهان اسلام تا دو قرن بدان سرگرم بودند، اندیشه‌ورزان مسلمان اندکی را در مشرق اسلامی و در دوره ظهور و تثبیت، به واکنش واداشت. حتی تاریخ‌نگاران مسلمان نیز که رویدادهای جنگ صلیبی را در کنار دیگر رخدادهای تاریخی بر کاغذ می‌نشانند، از نگرش و رفتار نخبگان؛ یعنی سکوت و انفعال آنان و علت آن چیزی ننوشته‌اند. انگیزه شمار اندکی از اندیشه‌ورزان و عالمان دینی هم که پس از چیره شدن صلیبیان بر بخش‌های شرقی مدیترانه به دولت‌مردان هشدار می‌دادند یا به انگیزش جامعه می‌پرداختند، چیزی جز بازگویی و یادآوری روایات نبوی درباره «جهاد» و فضیلت آن نبود. اینان در قالب آراسته‌ای از خطابه یا با تدوین جهادیه‌ها و توجه به «ادبیات فضیلت‌نویسی»، کمابیش در مهم نمودن ایستادگی در برابر صلیبیان و ضرورت آزادسازی شهرهای اشغال شده اسلامی تأثیر گذارند. تلاش این نخبگان دینی، به «نظریه‌پردازی» درباره دگرگونی شیوه دولت‌ها و حکومت‌ها نینجامید، بلکه آنان جهاد را از دید «اخلاق» یا بخشی از «فقه» می‌نگریستند. پیروان آنان نیز در نسل‌های پسین، در پی توجیه سکوت یا انفعال برخی از اندیشه‌ورزان فرهیخته دینی برآمدند و درباره «وجوب کفایی» نه «عینی» جهاد سخن گفتند. برای نمونه، غزالی شخصیت علمی برجسته سده پنجم که بر پایه روایت غیرمستند و ناصحیح «ظهور مجدد دین در هر صد سال»، نوآور و مجدد سده پنجم در جهان اسلام بود، به‌رغم اینکه هم‌زمان با یورش صلیبیان در شام می‌زیست، در این‌باره ساکت ماند. از دید جامعه‌شناختی، برای رفتار آن دسته از نخبگان برجسته که همچون غزالی سکوت نکردند و منفعل نبودند، نام «کنش تاریخی» شایسته‌تر از «تغییر اجتماعی آ» می‌نماید.

نویسنده موقوف فقهاء الشام و قضائتها من الغزو

۱. این روایت شایع و ناصحیح، به پیامبر منسوب است: «ان الله بعث لهذه الامة على رأس كل مائة سنة من يجدد لها دينها».

۲. در کنش تاریخی (Action Historic) بیش‌تر همه کارهای افراد مطرح می‌شود که مأمور حرکت، تشدید یا مانع تغییر اجتماعی‌اند، اما مقصود از تغییر اجتماعی (Changement Social)، بیش‌تر تغییر دیدنی و پیوسته است که در ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی تأثیر می‌گذارد.



الصلیبی^۱، با استناد به منابع معاصر جنگ‌های صلیبی مانند ذیل تاریخ دمشق، نوشته ابن قلانسی، تاریخ دمشق ابن عساکر، بغیه الطلب فی تاریخ الحلب ابن عدیم، کتاب الجهاد سلمی و طبقات الشافعیه الکبری سبکی، تأکید می‌کند که در روزگار نخستین حمله صلیبیان، ۱۶۰ فقیه و قاضی صاحب‌نام در منطقه شام بود (همان، ۲۰۰۰، ص ۳۴) که بیش‌تر آنان رویکردی فعال درباره این هجوم فراگیر نداشتند.

البته این نکته نیز گفتنی است که پس از ظهور صلاح‌الدین در صحنه جنگ‌های صلیبی، فقیهان و عالمان و قضایانی همچون ابوالمحاسن ابن شداد (۵۳۹ - ۶۳۲ ق)، ضیاء‌الدین عیسی هکاری (۵۸۵ - ۷۰۰ ق) و ناصح‌الدین عبدالرحمن شیرازی (۵۵۴ - ۶۳۴ ق) با او همراه شدند یا شماری از فقیهان محلی، در حوزه نفوذ اجتماعی خود در جنگ شرکت کردند. برای نمونه، شهاب‌الدین بلاغی، فقیه مقیم حماه هنگام محصور شدن شهر در ۵۷۳ قمری (همان، ۲۰۰۰، ص ۱۲۴ - ۱۲۵)^۲، چنین کرد. باری، شمار عالمان و فقیهان برخوردار از نفوذ و اثرگذاری فرامنطقه‌ای مانند غزالی، سلمی و ابن عساکر در مشرق اسلامی اندک بوده است؛ چنان‌که محیی‌الدین ابن عربی و قاضی ابن العربی در مغرب اسلامی چنین نفوذی داشته‌اند.

غزالی

ابوحامد امام محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق)، عالم بزرگ علوم دینی در عمر کوتاه خود با تألیف کتاب‌های مهم و مؤثر در فرهنگ و اندیشه اسلامی به‌ویژه احیاء علوم الدین، «مجدد اسلامی سده پنجم» نام گرفت و اندیشه متفکران و نخبگان بعدی را به خودش واداشت. سبکی، نویسنده طبقات الشافعیه درباره تأثیرگذاری کتاب او می‌نویسد: «لولم یکن لدی المسلمین ألباحیاء لکفی^۳» (عادل زعبوب، ۱۹۸۰، ص ۳۹). امام نووی، عالم محدث بزرگ شافعی سده هفتم نیز درباره‌اش

۱. جمال محمد سالم خلیفه (۲۰۰۰)، لیبی، مرکز جهاد اللیبیین للدراسات التاریخیه. ویرایش تازه این کتاب با نام فقهاء الشام فی مواجهه الغزو الصلیبی چاپ شده است. عین للدراسات و البحوث الانسانیه والاجتماعیه (۲۰۰۶)، قاهره.

۲. پژوهشگر لیبیایی این کتاب، در فصل‌های سوم و چهارم آن اطلاعاتی در این‌باره عرضه می‌کند.

۳. یعنی اگر مسلمین جز احیاء کتابی نداشتند کفایت می‌کرد.

می‌گوید: «کاد الاحیاء ان یکون قرآنا» (همان). چنین اثری در رویدادهای بزرگ و فراگیر اجتماعی روزگار نویسنده نیز می‌توانست تأثیر بگذارد که یکی از آنها، همین جنگ‌های صلیبی بود. این جنگ‌ها درست در روزگار زندگی ده ساله غزالی در شام و در بیت‌المقدس (۴۸۸ - ۴۹۸ ق) در منطقه‌های شرقی مدیترانه برپا شد. باری، این فرهیخته ارجمند سده پنجم که در توجیه بزرگی خطر شیعیان اسماعیلی مذهب و دولت متبوع آنان در مصر هشدار داده و چندین کتاب در این‌باره نوشته، درباره جنگ‌های صلیبی به قلم نبرده و از اشغال بخشی از جهان اسلام، دم نزده است.

پیشینیان و عالمان گذشته نیز درباره این «سکوت و انفعال» و چرایی آن سخن نگفته، اما شماری از غزالی‌پژوهان معاصر در این‌باره با رویکردی توجیه‌گرانه یا منتقدانه چیزهایی نوشته‌اند. برای نمونه، استاد جلال‌الدین همایی در پژوهش گرانسنگ خود در توجیه سکوت غزالی چنین آورده است:

اولاً جهاد مطرح شده در شریعت اسلامی، واجبی کفایی است نه عینی؛ ثانیاً جهاد اختصاص به غزا و محاربه ندارد، بلکه یکی از مصادیق آن جهاد قلمی است که او هم با بیان و خطابه و تألیف از اسلام حمایت کرد. غزالی پس از سال‌ها جنگ و جدال مذهبی به خطای خود واقف شد و صلح و آرامش را بر کشمکش ترجیح داد (جلال‌الدین همایی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۱ - ۱۶۲).

گفتنی است بسیاری از آثار کشمکش‌برانگیز غزالی مانند فضائل الباطنیة و فضائل المستظهریه که به گسترش جدال مذهبی می‌پرداخت، در همین دوره ده ساله سامان یافته‌اند. محمد عبدالله شرقاوی، مصحح و محقق الرد الجمیل غزالی می‌گوید پاسخ غزالی به تصوف مسیحیت و نفی نگرش‌های توحیدی - عرفانی مسیحیان در همین کتاب، همچون جنگ با صلیبیان و نشانه روی‌کرد ضد مسیحی و صلیبی اوست (ابوحامد محمد غزالی، ۱۴۰۳، ص ۲۵ - ۲۶).

عمر فروخ در کنگره بزرگداشت غزالی در دمشق (۱۹۶۱) در کتاب خود به نام

۱. نزدیک است که احیا همانند قرآن شود. مرتضی زبیدی، نویسنده تاج العروس در شرح مهم خود بر احیا که اتحاف السادة المتقين (قاهره، ۱۳۱۱ ق) نام دارد، همین مضمون را آورده است.



التصوف فی الاسلام، این رویکرد را سیاست عمومی عارفان و صوفیان دانسته و حتی ابن‌فارض مصری و محیی‌الدین ابن‌عربی را در همین گروه گنجانده است (عمر فروخ، ۱۹۴۸، ص ۹ - ۱۰). البته ابن‌عربی را نمی‌توان با ابن‌فارض یکسان دانست؛ زیرا ابن‌فارض معروف به «سلطان العاشقین» و شاعر بزرگ صوفی مشرب (۵۷۶ - ۶۳۲ ق) درباره جنگ صلیبی منفعل بود (ر.ک: دیوان ابن‌فارض، بی‌تا)، اما ابن‌عربی عارف بزرگ اندلسی، درباره هجوم صلیبیان بسی سخن گفت. شاید تنها منتقد شهیر غزالی، زکی مبارک باشد که سکوت و انفعال او را به هیچ روی توجیه پذیر نمی‌داند و می‌پرسد چرا غزالی به‌رغم تحریک‌های ضد اسلامی و مسلمانانِ عالمان و نخبگان مسیحی، در این باره ساکت ماند (زکی مبارک، ۱۹۷۰، ص ۲۵).

البته رساله‌ای کوچک و چکیده به نام *تحفه الملوك* در میان آثار منسوب به غزالی هست که گویی نسخه‌ای یگانه از آن در مجموعه ایاصوفیه ترکیه بوده^۱ و او در باب یازدهم این اثر زیر عنوان «در حث بر جهاد» نوشته است:

بدان که چون شهری یا ولایتی از دیار اسلام را کافران بگرفتند، بر همه مسلمان‌ها واجب شود در وقت نیت جهاد کردن و به جهاد رفتن؛ چون استطاعت یابند ... از این بهتر که عمر در رضای خدای - تعالی - نفقه کنی و بیت‌المقدس که قبله انبیاء (علیهم السلام) است از کافران بازستانی و تربت خلیل که خوک‌خانه کافران کرده‌اند، از دست ایشان بیرون آری (همان، مجله دانشکده ادبیات مشهد، ص ۱۳۱).

با توجه به فراوانی مضمون‌های سازگار با فقه حنفی در این رساله و تعصب غزالی درباره فقه شافعی، این انتساب درست نمی‌نماید، اما پاسخ غزالی به قاضی ابوبکر ابن‌العربی، فرستاده ویژه یوسف بن تاشفین امیر مراطبی مغرب اسلامی و فتوای او به سود امیر برای چیره شدن بر مسیحیان اندلس و ملوک الطوائف سرکش، این سخن را تأیید می‌کند که ابوحامد به‌رغم گوشه‌نشینی‌اش، از رویدادهای سیاسی - اجتماعی

۱. مرحوم مجتبی مینوی هنگام اقامت چندساله‌اش در آن‌جا، این رساله چکیده را جسته و تصویری از آن با خود به ایران آورده و مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه منتشرش کرده است (ر.ک: مجتبی مینوی (۱۳۴۰)، «از خزائن ترکیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هشتم، ش ۳؛ محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۴۴)، «تحفة الملوك»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، سال اول، ش ۲ و ۳).

برکنار نبوده و یک‌سره به تهذیب نفس پرداخته، بلکه به آن سوی جهان اسلام و مسیحیان اندلس نیز توجه کرده است، اما هنگامی سکوت غزالی در این باره توجیه‌پذیر می‌نماید که او تنها به مسائل فردی و اخلاقی پرداخته و از مسائل اجتماعی و عمومی دوری کرده باشد و چنین نیست؛ زیرا هم از درآمیختن او با اسماعیلیان و فاطمیان گزارش‌هایی هست و هم از واکنشش درباره هجوم مسیحیان اندلس. پس به یقین می‌توان گفت غزالی وظیفه‌اش را درباره حمله صلیبیان به نیکی اجرا نکرده و حاکمان و امیران شام و عراق را بدان هشدار نداده است.

سلمی

ابوالحسن علی بن طاهر بن جعفر بن عبدالله قیسی سلمی (۴۳۱ - ۵۰۰ ق / ۱۰۳۹ - ۱۱۰۶ م)، فقیه و نحوی بزرگ (ابن عساکر، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵، ج ۴۳، ص ۴) از نخستین فقیهان شامی است که با نوشتن کتاب *الجهاد*، دغدغه‌اش را درباره جنگ‌های صلیبی نشان داد. گمان می‌رود این جهادیه را بر ضد صلیبیان هنگامی نوشته باشد که نزد فقیه ابوعلی حسن بن عتبه بن منساور وراق (م ۴۹۴ ق / ۱۰۵۷ م) رفت و در خانه او هم‌زمان با هجوم صلیبیان این حدیث پیامبر را استماع کرد: «وقد وعد طائفة من امته بالنصر علی عدوهم» (همان، ج ۱۲، ص ۴۳۴) و پس از آن، از فقیهان و محدثان مغربی و ایرانیان مالکی مذهب، مانند ابوعلی حسن بن محمد بن حسین ابهری که اواخر سده پنجم درگذشت (عبدالله بن اسعد یافعی، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۴۲ - ۴۳)، روایت‌های جهادی *الموطأ* مالک بن انس را شنید (جمال محمد سالم، ۲۰۰۶، ص ۱۷۵). سلمی هنگام اقامت ابوحامد غزالی در شام، از وی تأثیر پذیرفت و شیفته دانش و روش او شد (تاج‌الدین سبکی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۸۳؛ عبدالقادر نعیمی، ۱۹۹۰، ص ۱۳۵) و کتاب *الجهاد* را خود را اندکی پس از آمدن صلیبیان به قدس نوشت.

امانوئل سیوان^۲، استاد تاریخ دانشگاه عبری اورشلیم و خانم کارول هیلبراند^۳، استاد تاریخ اسلام در دانشگاه ادینبورگ و از کارشناسان جنگ‌های صلیبی و اندیشه سیاسی

۱. نسخه‌ای از کتاب سلمی با شماره ۳۷۹۶ و ۴۵۱۱ از مجموع مخطوطات ظاهریه دمشق، در «مکتبه الاسد» همان شهر نگاه‌داری می‌شود.

2. Emmanuel Sivan.
3. Carole Hillenbrand.



در اسلام و پژوهندگان کوشنده درباره مفهوم جهاد در اندیشه اسلامی در دوره میانه و جدید، بخش‌هایی از این کتاب را منتشر کرده‌اند^۱ (ر.ک: جمال محمدسالام، ۲۰۰۰، ص ۹۳). پروفیسور نیال کریستی^۲، استاد تاریخ دانشگاه بریتیش کلمبیا و کالج کورپس

1. Journal Asiatique, 1960; The Crusades Islamic Perspectives, Edinburg, University Press, 1999.
گفتنی است رمضان حسین الشاش الجهاد سلمی را در قالب رساله کارشناسی ارشد خود در دانشگاه محمد فاتح طرابلس (۱۹۹۲) تحقیق و بررسی کرده است.

2. Niall Christie.

برای آگاهی بیش‌تر از آثار نیال کریستی در این‌باره، ر.ک:

کتاب‌ها

in press The Book of the Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106): Text, Translation and Commentary (Ashgate Press).
"Motivating Listeners in the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," Crusades, Vol. 6 (2007), pp. 1-14.
"Jerusalem in the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," Medieval Encounters, Vol. 13 (2007), No. 2, pp. 209-21.
"Parallel Preachings: Urban II and al-Sulami," with Deborah Gerish, Al-Masaq: Islam and the Medieval Mediterranean, Vol. 15 (2003), No. 2, pp. 139-48.
accepted "Paradise and Hell in the Kitab al-Jihad of 'Ali b. Tahir al-Sulami (d. 500/1106)," Roads to Paradise: Eschatology and Concepts of the Hereafter in Islam, ed. Sebastian Günther and Todd Lawson (Brill).

مقاله‌های دانش‌نامه‌ها

In The Crusades: An Encyclopedia, ed. Alan V. Murray (Santa Barbara, CA: ABC-CLIO, 2006):), "Al-Sulami (1039-1106)" (Vol. 4, p. 1124), "Sunni Islam" (Vol. 4, p. 1125) and "Zangi (d. 1146)" (Vol. 4, pp. 1293-95)
submitted to Christian-Muslim Relations: A Bibliographical History, Volume 2 (900-1200), ed. David Thomas et al. (Brill): "'Ali b. Tahir al-Sulami"

مقاله‌های اینترنتی

"A Translation of Extracts from the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," Web site of Paul Hyams, Cornell University, 1st September 2001:
<<http://www.arts.cornell.edu/prh3/447/texts/Sulami.html>>

مقاله‌های کنفرانس‌ها

Mar 2006 "Jerusalem in the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," Conference on "The Holy City of Jerusalem: Desire and Conflict/Past and Present," University of British Columbia, Vancouver, Canada
Oct 2004 "Motivating Listeners in the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," Conference on "Crusading and Against Whom?" Middlebury College, Middlebury, U.S.A.
Oct 2010 "Fighting on Earth to Gain Heaven: The 'Vision of Paradise' Motif in the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," 39th Medieval Workshop (Quest and Conquest: Spiritual Symbols and Myths in the Indo-Mediterranean and European Worlds), University of British Columbia, Vancouver, Canada
* Sep 2010 "A New/Old Source on the Muslim Response to the Crusades: The Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," 25th Congress of the Union Européenne des Arabisants et Islamisants, Naples, Italy
*Feb 2010 "Editing and Translating the Book of the Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106): A Final Report," "Crusades: Medieval Worlds in Conflict," Second International Symposium on Crusade Studies, Saint Louis University, Saint Louis, U.S.A.
* Oct 2008 "Creating Sacred Identity: Looking Backwards and Forwards with 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," New England Medieval Conference (Crusade, Jihad and Identity in the Medieval World), Dartmouth College, Hanover, U.S.A.
* Feb 2006 "Jerusalem, Eschatology and the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," "Crusades: Medieval Worlds in Conflict," International Symposium on Crusade Studies, Saint Louis University, Saint Louis, U.S.A.
* Oct 2003 "Preaching the Divine Plan: the Kitab al-Jihad of 'Ali ibn Tahir al-Sulami (d. 1106)," 33rd Medieval Workshop (Noble Ideals and Bloody Realities: Warfare in the Middle Ages, 378-1492), University of British Columbia, Vancouver, Canada

کریستی در ونکوور کانادا، ترجمه‌ای انگلیسی از بخش‌هایی از آن در نشریه سالانه
انجمن مطالعات جنگ‌های صلیبی و شرق لاتین عرضه کرده
 است
 (Crusades, Volume 6, 2007, P. 1-14).

علی بن طاهر سلمی، فقیه شامی با برداشت از قرآن کریم^۱، خطبه‌ای ضد صلیبی در
 شام خواند و مجاهدان راه خدا را مؤمنان حقیقی دانست و از حاکمان و رعایای آنها
 خواست که از امور غیرمهم دست شسته، با جان و مال خویش جهاد کنند
 (Niall Christie, "Crusades", Volume 6, 2007, P. 4). او علت اصلی این هجوم و اشغال
 را همانند علت حمله مسیحیان به اندلس و سیسیل می‌دانست:

عده‌ای از دشمنان به جزیره سیسیل حمله بردند، حال آنکه مسلمانان در
 حال جدل و رقابت بودند و به همین طریق شهرها را یکی پس از دیگری
 در اندلس تصرف کردند. هنگامی که برای آنان محرز گشت که اندلس
 علاوه بر اغتشاش و تفرقه مستمر، از اختلاف رهبران و دخالت‌های امرایش
 رنج می‌برد، تصمیمشان برای تصرف آن قاطع و اشغال بیت‌المقدس بهترین
 آرزوی‌شان گردید (همان، ص ۸).

این فقیه شامی در کتاب کوچک *الجهاد* بارها به روایاتی از پیامبر استناد می‌کند
 و مسلمانان را از بی‌توجهی به جهاد دفاعی در برابر صلیبیان هشدار می‌دهد، اما
 رویکردش تقدیرگرایانه (مشیت‌گرایی تاریخی) است؛ چنان‌که می‌گوید: «دست از گناه
 بردارید؛ در غیر آن صورت خداوند شما را به انتقام گناه در دستان دشمن نابود خواهد
 کرد» (همان، ص ۹). از دید او، جهاد با نفس خویش یا همان جهاد اکبر، پیش شرط
 جهاد با صلیبیان است. بنابراین، نخست باید به پاک‌سازی خود پرداخت؛ سپس به جهاد
 با روم یا همان صلیبیان رفت:

جهاد با نفستان را بر جهاد با دشمنان‌تان مقدم بدارید تا هنگامی که شما در
 میان دشمنان‌تان هستید و آنان را از نافرمانی خالق متعال برحذر می‌کنید، در

* Jul 2001 "Parallel Preachings: Urban II and al-Sulami," with Deborah Gerish, 8th International Medieval Congress, University of Leeds, England

۱. اَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (حجرات، آیه ۱۵).



امید پیروزی بر آنها موفق خواهید بود. آنچه میان خود و خدایتان است را درست کنید تا مشکلی که در وضعیت کنونی وجود دارد برایتان درست شود و دشمنی‌تان به صلح ختم شود. نافرمانی‌تان را نسبت به خدای تعالی بگسلید و با انجام کار جدیدی به گسستن آن ادامه دهید. شاید خداوند دشمنان را نابود کرده، شما را فرمانروای جهان گرداند. شاید که او شما را نظاره کند که چگونه عمل می‌کنید و آنچه را خداوند و پیامبرش راجع به اولویت اقامه جهاد دستور داده، آیا عمل می‌کنید. مهم‌ترین اولویت، جدیت در اطاعت از خدا و صداقت در جهاد است. از سخنان خدای تعالی این است که «ای اهل ایمان! در نمازتان خاشع و فروتن باشید، پروردگارتان را بپرستید و اعمال نیکو انجام دهید؛ شاید که کامیاب شوید (همان، ص ۱۲)

و سپس می‌فرماید:

«به سوی خدا بشتابید در اقامه جهاد» (همان، ص ۱۳).

او هم‌چنین برای انگیزش بیش‌تر فرمانروایان و دیگر مسلمانان، احادیثی می‌خواند که در آنها کشف و شهودی برای جنگ‌آوران و تصویری از تنعم در بهشت است؛ چنان‌که ماجرای رویایی سعید بن حرث مخزومی، صحابی پیامبر را با رومیان نقل می‌کند (همان، ص ۱۳).

بنابراین، سلمی بر پایه آیات و روایات گوناگون، از دید فقهی و اخلاقی، بر ضرورت مبارزه با صلیبیان تأکید می‌کند، اما برخی از عالمان دینی جغرافیای جنگ مانند شیخ محیی‌الدین بن زکی خطیب دمشق که به سخنان «جهادی» سلمی پاسخ گفتند. او با فتح و بازگرداندن بیت‌المقدس به کوشش صلاح‌الدین ایوبی، همان رویکرد را بازخوانی کرد:

ایها الناس ابشروا الله الذی هو الغایة القصوی و الدرجه العلیا، لَمَّا یسره الله علی ایدیکم من استرداد هذه الضالّة من الامّة الضالّة و ردها الی مقرها من الاسلام بعد ابتذالها فی ایدی المشرکین قریباً من مائه عام (ابن‌خلکان، ۱۹۶۸، ج ۴، ص ۲۳۴؛ مجیرالدین حنبلی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۳۳۴).

ابن‌عساکر

ابوالقاسم علی بن ابی‌محمد حسن بن هبة الله معروف به ابن‌عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ ق /

۱۱۰۵ - ۱۱۷۶ م) که در تاریخ اسلام با گنج‌نامه تاریخی‌اش تا ریخ مدینه دمشق آوازه دارد، از شاگردان معروف علی بن طاهر سلمی است (تاج‌الدین سبکی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۴). نگاه و نگرش او یا رویکردش را به حضور صلیبیان در جهان اسلام، بیش‌تر در همان تاریخ معروفش می‌توان یافت. وی در جایی از این اثر، مسیح موعود را توصیف می‌کند؛ کسی که به نظر ابن‌عساکر پیش از روز واپسین (قیامت) همراه مهدی موعود بازخواهد گشت و در دروازه‌های بیت‌المقدس پیروزی مسلمانان را خواهد دید. او آن دوران را که هم‌زمان با اوج‌گیری قدرت صلیبیان و نزاع آنان با نورالدین زنگی مخدوم خودش بوده است، چنین گزارش می‌کند:

چوپان زاده‌ای بیزانسی که والدین او شیطانند در حال حرکت و پیشروی علیه مسلمانان است؛ با پانصد هزار سرباز از راه خشکی و پانصد هزار سرباز دیگر از راه دریا و میان عکا و صور از کشتی پیاده می‌شوند. آن‌گاه او خواهد گفت: «ای مردم کشتی! از آن بیرون آید». وی سپس دستور خواهد داد که کشتی‌ها را بسوزانند. مسلمانان از پی کمک خواهند آمد؛ سپس برای یک ماه خواهند جنگید. مسلمانان هیچ فردی را میان خودشان و قسطنطنیه و رم نمی‌یابند. وقتی مسلمانان در آن موقعیت هستند، خواهند شنید که دجال بر آنان سلطه یافته است. آنچه به دست دارند، بر زمین انداخته و بازخواهند گشت. خشکسالی‌ای بر مسلمانان فرود آمده و هنگامی که آنها در آن وضعیت هستند، صدایی از آسمان خواهد شنید که می‌گوید: «شاد باشید! به یاریتان می‌آیند». آنها به او خواهند گفت: «عیسی بن‌مریم فرود آمده است». آنها به خاطر او شادی می‌کنند و او به خاطر آنها. آنها به او خواهند گفت: ای روح خدا در نماز پیشوای ما باش». او به آنها خواهد گفت: «خداوند این جامعه مسلمانان را محترم داشته. بنابراین، هیچ کس نباید پیشوای نماز آنها باشد؛ جز یکی از آنها... پس از آنکه عیسی نمازش را به پایان می‌رساند، نیزه بر خواهد گرفت به سوی دجال رفته و وی را خواهد کشت... (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲، بیروت، ص ۳۱۸ - ۳۳۱).

یاد کردن از حرکت سپاه از راه دریا و خشکی و نام بردن از شهرهای مهم صلیبی (عکا و صور)، از نکته‌های مهم در پیش‌گویی ابن‌عساکر درباره آمدن حضرت مسیح



است. مسلمانان شام در روزگار چیرگی صلیبیان بر بخش‌های شرقی مدیترانه، ناامیدانه به باور آمدن «موعودی» در روز رستاخیز معطوف شده بودند.

ابن عساکر افزون بر آنچه در *تاریخ دمشق* آورده، رساله‌ای مفقود به نام *فضائل عسقلان* داشته که گویی آن را در پاسخ به سقوط شهر عسقلان به دست صلیبیان (۱۱۵۳ م) نوشته بوده و تنها بخش‌هایی از آن در *تاریخ دمشق* او مانده است. *الاربعین فی اقامه الجهاد یا الاربعون فی الجهاد*^۱ ابن عساکر را جهادی‌های همانند جهادیه سلمی^۲ و دیگر جهادیه‌ها می‌توان دانست که به درخواست نورالدین زنکی سامان یافته و چهار نکته مهم را بازگو کرده است:

۱. اهمیت جهاد در سنجش با دیگر وظایف شرعی؛
۲. کیفر آنان که وظیفه جهاد را نادیده می‌گیرند؛
۳. پاداش کسانی که جهاد را اقامه می‌کنند؛
۴. کارهایی که مجاهدان پیش از جهاد، ناگزیرند که بدانها بپردازند.

قاضی ابوبکر ابن‌العربی

از همان روزگار نخستین حضور مسلمانان در شبه جزیره ایبری، هسته‌های مقاومت مسیحی در آن سرزمین شکل گرفت. پلایو^۳ که در منابع عربی و اسلامی از او با نام «بلای» یاد شده است، از فرماندهان مسیحی بازمانده از نبرد گوت‌ها و مسلمانان در منطقه اشتوریاس^۴ در شمال شبه جزیره بود که به‌رغم کمبود نیروی انسانی‌اش، جنبش

۱. کتابی با نام *اربعون حدیثاً من اربعین شیخاً من اربعین مدینه یا الاربعین البلدانیه* نیز از ابن‌عساکر ثبت شده است که به‌گمان، کتاب دیگری (دومی) از او نیست، بلکه همان است. ر.ک: خیرالدین زرکلی (۱۹۸۴)، *الاعلام*، ج ۴، ص ۲۷۳؛ نورالله کسایی، «ابن‌عساکر، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ص ۲۹۲. البته مرحوم دکتر نورالله کسایی در مدخل یاد شده، آنها را دو کتاب می‌داند که یکی چاپ‌شده و دیگری خطی است، اما با درنگ در متن چهل حدیث جهادی ابن‌عساکر می‌توان دریافت که همه این نام‌ها یک مصداق دارند؛ زیرا محل استماع برخی از احادیث در نسخه تحقیق شده شیخ عبدالله بن یوسف الجدید (چاپ کویت) آمده است. برای نمونه، حدیث اول و سوم و پنجم در بغداد، هفتم و هجدهم در نیشابور و الله اعلم. اطلاعات کتاب‌شناختی این اثر چنین است: ابن‌عساکر (۱۴۰۴)، *الاربعون فی الجهاد*، تحقیق عبدالله بن یوسف الجدید، کویت، دارالخلافا للکتاب الاسلامی.

۲. البته کتاب سلمی گسترده‌تر است.

3. PeLayo.

4. Asturias.

«بازپس‌گیری»^۱ اسپانیا را در صخره‌ای به نام خود به سرانجام رساند (/ خبلا ر مجموعه، ۱۴۱۰، تحقیق ابراهیم الایاری، ص ۳۴ و ۶۱). او با سیصد مرد بدان‌جا رفت و هرچند انبوهی از آنان از دم تیغ مسلمانان گذشتند، سی مرد بازمانده زیر پرچم او، ایستادند و مسلمانان نیز ناامید آنان را رها کردند (مقری تلمسانی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۶۷۱ - ۶۷۲؛ ابن‌عذاری، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۲۹).

فرناندوی اول^۲، پادشاه قشتاله و لیون که از نسل پلایو بود، در کشاکش نبردهای جنبش بازپس‌گیری با مسلمانان (سده پنجم قمری / یازدهم میلادی)، این مسیر را دنبال کرد و فرزندش آلفونس ششم^۳ با بازپس‌گیری طلیطله^۴ (صفر ۴۷۸ ق / ۱۰۸۵ م)، فصل تازه‌ای در کار جنبش گشود. پس از رفتن دولت صنهاجی مرابطین از شمال افریقا به اندلس، نهضت بازپس‌گیری زمانی از حرکت بازایستاد. یوسف بن تاشفین با چیرگی بر بخش‌هایی از آن منطقه و رام کردن شاهان پراکنده ملوک الطوائف، تا اندازه‌ای سلطه و قدرت اسلامی را بر آن سرزمین احیا کرد. او هنگام ورود به منطقه اندلس، به تأیید شدن مشروعیت سیاسی‌اش با حکم خلیفه مسلمانان و عالمان بزرگ شرق جهان اسلام، نیازمند بود و از این‌رو، قاضی ابوبکر ابن‌العربی (۴۶۸ - ۵۴۳ ق / ۱۰۷۶ - ۱۱۴۸ م) همراه با پدرش رهسپار مشرق شد تا هم توان و قدرت عالمان آن‌جا را از نزدیک ببیند و هم وظیفه دولتی‌اش را اجرا کند. پدرش ابومحمد که از برجستگان علوم کلامی و اصول بود (مقری تلمسانی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۲۹) و در زادگاهش اشبیلیه «کان بدرأ فی فلکها» (همان، ص ۳۴)، در آغاز ربیع‌الاول ۴۸۵ به راه افتاد. او خود می‌گوید دستاورد و خاطرات این سفر دراز (ده ساله) را در سفرنامه‌ای به نام *ترتیب الرحله للترغیب فی الملة* گرد آورده، اما این کتاب در روزگار نویسنده از میان رفته است (ابن‌العربی، ۱۹۹۰، ص ۶۸). بخش‌هایی از این اثر در دیگر کتاب او *قانون التآویل* دیده می‌شود. هم‌چنین سعید اعراب با بازخوانی و بازسازی آن در دیگر آثار، چکیده‌ای را از آن با عنوان *مع القاضی ابوبکر ابن‌العربی*^۵ به پژوهش‌گران عرضه کرده است. او در اوضاع سیاسی - اجتماعی

1. La Reconquista.
2. Fernando I.
3. ALFonso VI.
4. TuLedo.

۵. بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۸۷ م.



ویژه‌ای از اندلس رفت؛ چنان‌که خودش می‌نویسد: «ولم یکن بارضنا المقام» (ابن‌العربی، ۱۹۹۰، ص ۷۴) یا «خرجنا والاعداء یثمتون بنا» (همان، ص ۷۵). مسیر حرکت او به بیت‌المقدس بر پایه گزارش‌های *قانون التویل* چنین می‌نماید:

اشبیلیه (آغاز ربیع الاول ۴۸۵ ق)	مالقه	غزناطه	المریه (در خشکی)	بجایه (راه دریایی)	عنابه	تونس	سوسه	مهدیه	فیروان ^۱	فیروان مهدیه	اسکندریه (دریایی)	قاهره	بیت المقدس
---------------------------------	-------	--------	------------------	--------------------	-------	------	------	-------	---------------------	--------------	-------------------	-------	------------

وی سه سال و اندی در قدس ماند و افزون بر تحصیل در بیت‌المقدس، از مکان‌هایی بازدید کرد؛ چنان‌که از آنها و برخی از رویدادهای اجتماعی‌شان سخن گفته است. مانند صخره مائده نزدیک بیت‌المقدس (ابن‌العربی، ۲۰۰۳، ص ۲ و ۴) و محراب داوود (همان، ص ۶) یا از انقلابی مسلمان ساکن در همین محراب داوود که بر والی فاطمیان قدس شوریده بود (همان، ص ۷).

سرزمین فلسطین، ابن‌العربی را به خود جذب کرد. وی در همین سفرنامه دو مکتب فقهی شرق و غرب عالم اسلامی را توصیف می‌کند و مکتب شرقی را که به استنباط و اصول ادله و استخراج علل می‌پردازد، مکتب عراقی (الطریقه العراقیه) و مکتب غربی را الطریقه القیروانیه می‌نامد. او معتقد است که در فلسطین و بیت‌المقدس این دو روش و مکتب را با هم جمع می‌کنند و از این‌رو، جایگاه فقهی آن سرزمین نزد او با جایگاه فقهی حوزه شرق و غرب متفاوت است (احسان عباس، ۱۹۶۸، سال ۲۱، ش ۲ - ۴، ص ۶۵).

به گفته احسان عباس، این سخن مقدسی نویسنده *احسن التقاسیم* درست نمی‌نماید که این خطه (بیت‌المقدس و فلسطین) شأن علمی نداشته است و در آن‌جا «... فقیه تنها، ادیب کمیاب است [و] مجلس مناظره و درس نایاب» (مقدسی، ۱۳۶۱،

۱. و لزمت فیها مجالس المتفقهین؛ وی در آن‌جا زمانی با فقیهان هم‌نشینی کرد (همان، ص ۸۴).

ص ۲۳۵). او در اوایل ۴۹۲ قمری (۱۰۹۹ م)، هم‌زمان با جای‌گیری صلیبیان ساکن اسکندریه در فلسطین و چند ماه پس از آن (محرم ۴۹۳ ق) با مرگ پدرش در اسکندریه روبه‌رو شد و پس از ده سال سفر علمی و مأموریت دولتی (۴۸۵ - ۴۹۵ ق)، توفیق یافت که با منشور خلیفه و فتوای غزالی عالم برجسته مشرق‌زمین به زادگاه خود بازگردد (ابن خلدون، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۹۴)؛ فتوایی که تأمل در آن و تأثیرگذاری‌اش در توده و نخبگان و سیاست‌مداران مغرب اسلامی، به پیدایی این پرسش می‌انجامد: « ابوحماد که خود در زمان هجوم صلیبیان ساکن شام بود، درباره آنان سکوت کرد و فتوا نداد و هیچ دولت و حاکمی را برنیا نگیخت، چرا درباره حضور مسیحیان در اندلس اندیشناک بود».

درون‌مایه فتوای ابوحماد غزالی این نکته را تأیید می‌کند که سکوتش درباره حمله صلیبیان توجیه‌پذیر نیست؛ زیرا او خواسته قاضی ابوبکر را پاسخ می‌گوید و از خلیفه درباره صدور تأییدیه امارت مرابطین درخواست می‌کند و بنابراین، سهم تأثیرگذاری اجتماعی خود را در جهان اسلام می‌داند:

یوسف در اظهار شعار امامت خلیفه المستظهر بر حق است و این بر هر پادشاهی که به یکی از اقطار مسلمانان مستولی شود واجب است و چون آن پادشاه که مشمول حکم خلافت است به شعار خلافت عباسی ندا در داد، اطاعت او بر همه رعایا و رؤسا واجب است و مخالفت با او، مخالفت با امام است و هر که تمرد کند و عصیان ورزد، حکم او حکم یاغی است و حق امیر است که او را به نیروی شمشیر از تمرد و عصیان بازگرداند و باید که با گروه متمردان قتال کند تا به اطاعت او درآیند؛ به‌ویژه اگر از مسیحیان که دشمنان خداوند هستند، برای مقاتله با مسلمانان که اولیای خداوندند، یاری خواسته باشد و باید با آنان جنگید تا به اطاعت امیر عادل که متمسک به فرمان‌برداری از عباسیان است درآید و چون دست از مخالفت برداشتند، واجب است که دست از آنان برداشته شود. البته این حکم شامل مسلمانان‌شان می‌شود نه مسیحیان. در این پیکارها هرچه از اموالشان به دست افتاده، باید به ایشان یا به ورثه آنان بازگردانیده شود و آنچه از زنان و فرزندان‌شان در قتال به اسارت گرفته می‌شوند، همه مهدورند



و در آنها ضمانتی نیست و حکم ایشان به طور کلی در بغی و عصیان، به دست امیری است که به فرمان برداری از خلافت تمسک می‌جوید و بر منابر و بلاد به نیروی سلاح مستولی است و حکم باغی به دست نایب امام است؛ هر چند به سبب عواملی که پیش می‌آید، منشور به نام او نرسیده باشد.

چنین کسی به حکم قرینه‌ی حال، نایب امام است؛ زیرا بر هر امام واجب است که به هر مسلمان عادل که بر قطری از اقطار زمین استیلا یافته است و به نام او خطبه می‌خواند و به شعار او ندا می‌دهد و مردم را به عدل و انصاف وا می‌دارد، اذن دهد و شایسته نیست که گمان برده شود که امام به چنین امیری راضی نباشد و از اذن دادن به او باز ایستاد. اگر منشور امارت دیر برسد، چه باک؛ زیرا گاه در نوشتن آن و گاه در ارسال آن موانع پیش می‌آید، اما اذن و رضایت پس از آنکه وضع امیر در عدالت و سیاست روشن شد و معلوم گردید که می‌توان مصالح مسلمانان را به او تفویض کرد، در ترک آن رخصت جایز نیست. حال این امیر (یوسف بن تاشفین) آشکار شده و شکی در آن نیست. اگر برای نگاشتن و ارسال مکتوب خلیفه مانعی وجود ندارد و این فتنه خاموش نمی‌شود؛ مگر به اینکه اذن صریح و منشور صادر شود، آن سان که برای دیگر امرا صادر می‌شود، بر حضرت خلافت صدور این منشور واجب است؛ زیرا امام حق، عاقله اسلام است و روا نیست که اجازت دهد که در اقطار زمین آتش فتنه‌ای افروخته بماند؛ مگر آنکه به هر وسیله‌ای که ممکن شود آن را خاموش گرداند (به نقل از محمد عبدالله عنان، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۴).

نگرش قاضی ابن‌العربی درباره تجاوز صلیبیان در این سخن ژوزف دروری^۱ محقق یهودی معاصر و استاد دانشگاه بارایلان^۲ آمده است: «وی تنها شاهد شناخته شده دهه آخر حکومت سلجوقی و آغاز جنگ‌های صلیبی است که از بیت‌المقدس دیدن کرده و اطلاعات مستند و دست‌اولی از شهرهای فلسطین و ساکنان مسلمان آن ارائه می‌دهد. او در این زمان حقایقی از تجاوز صلیبی‌ها (فرانک‌ها) را دریافته بود (Joseph Drory, ۲۰۰۴, P. ۱۱۸). او هم چنین دست‌درازی صلیبیان را به شرق و فلسطین

1. Joseph Drory.
2. Bar Ilan.

و شام آشکارا می‌نکوهد:

اگر شما فقط سوریه و عراق را در دهه ۴۹۰ ق دیده باشید، در این صورت شاهد تدوین علمی، دانش فراوان، جامعه‌ای امن، ساکن و متحد بوده‌اید که شکوه و جلال آن را نمی‌توان توصیف کرد؛ زیرا جلوه و درخشش آن بیش از حد تصور است، اما یک سرنوشت شوم، باد سردی را از شمال و جنوب آورد که سوریه را نیست و نابود کرد. نوای اسلام از مسجدالاقصی محو شد و در صبح روز جمعه هجدهم شعبان ۴۹۲ ق (۱۱ ژوئیه ۱۰۹۹م)، سه هزار مرد و زن از جمله عبادت‌کنندگان باتقوا و عالم که به خاطر عبادت و حالت روحانی‌شان شهرت داشتند، در آن‌جا اعدام شدند. بانوی دانش‌مندی از شهر شیراز نیز در قبه‌السلاسل به همراه زنان دیگر کشته شد (همان، ص ۱۲۰).

به هر روی، او که خود در اندلس شاهد ستیز و اشغال مسیحیان عضو جنبش بازپس‌گیری بوده و در شرق نیز روی‌دادهای نخستین اشغال صلیبیان را پی می‌گرفته، درباره هجوم مسیحیان روشنگری کرده و هم شاهان را هشدار داده و هم توده مردم جامعه را آگاه کرده است. ابن‌العربی فقیه مالکی به جواز استقبال از شهادت در جنگ با کفار فتوا می‌داد (ابن‌العربی، ۱۳۹۲ ق، ج ۱، ص ۱۱۶) و شاید بتوان این دیدگاه فقهی‌اش را با واقعیت‌های هجوم صلیبیان در شرق و غرب مرتبط دانست و این کمتر در میان فقیهان مالکی یا ظاهری اندلس دیده می‌شود.

محبی‌الدین ابن‌عربی

محبی‌الدین ابو‌عبدالله محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عبدالله طایبی اندلسی معروف به ابن‌عربی در ۵۶۰ قمری (۱۱۶۵ م) در مرسیه^۱ در جنوب شرقی اندلس و هم‌زمان با حکومت محمد بن سعد بن مردنیش حاکم بخش شرقی شبه جزیره اندلس، دیده به جهان گشود. او خود بر حکومت ابن‌مردنیش تأکید می‌کند (محبی‌الدین ابن‌عربی، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۲۶۴). او در جوانی رهسپار مشرق زمین شد تا عمرش را در آن‌جا بگذراند (ابن‌شاکر کتبی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۲۴۱ - ۲۴۳). هنگام حضور وی در مشرق‌زمین (شام، مصر، حجاز و آسیای صغیر)، نزاع مسلمانان و صلیبیان به اوج رسید، اما ابن‌عارف معناگرا که برای کامل کردن سیر معنوی و طریقت صوفیانه و عارفانه‌اش

1. Murcia.



بدین سفر دور و دراز تن سپرده بود، مناسبات روحی و اجتماعی‌اش را از چارچوب‌های اعتقادی بیرون می‌گذارد و چنین می‌سرایید:

قلب من پذیرای هر نقشی است
مرتع آهوان، معبد راهبان
بُت‌خانه اصنام و کعبه حجاج
اوراق تورات و مصحف اسلام
دین من دین عشق است، به کاروان عشق روی آوردم
دین و ایمان من عشق است (ابن عربی، ۱۳۱۲، ص ۳۹).

او دلش را پذیرای همه ادیان می‌دانست و بسیار می‌کوشید که میان همه آیین‌ها آشتی برقرار کند (ابن عربی، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۶۰۴ - ۶۰۵). وی بر این بود که خداوند در آیه «ذرا» نگفته «الست بواحد»؛ یعنی بر یگانگی خویش گواه نگرفته، بلکه بر ربوبیت خود شاهد خواسته؛ زیرا می‌دانسته است که شماری از آنان مشرک و پاره‌ای از آنان موحد خواهند شد، اما همه آنان پروردگاری او را باور خواهند داشت (ابن عربی، ۱۳۳۹، همان، ج ۲، ص ۲۷۲؛ نصر حامد ابوزید، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵).

ابن عربی به‌رغم این روح لطیف (روادار) و اهل تسامح و دور از تعصب دینی و مذهبی‌اش، درباره دست‌درازی مسیحیان و صلیبیان به سرزمین‌های اسلامی سخت متعصب بود؛ زیرا واقعیت بیرونی سالم و جامعه‌ای آرام و یک‌پارچه را زمینه‌پدایی آن تجربه‌های درونی و عرفانی و وصول به حقیقت هستی از مسیر طریقت‌ها می‌دانست؛ یعنی اهل طریقت در جامعه پاره پاره و از هم گسیخته نمی‌توانند کامیاب باشند (نصر حامد ابوزید، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴ - ۱۷۵).

درک این واقعیت اجتماعی، او را به عارفی اجتماعی و دغدغه‌مند درباره سرنوشت سیاسی - اجتماعی مسلمانان بدل کرد؛ چنان‌که در پاسخ به استفتای کیکاوس اول^۲،

۱. و اذ اخذ ربکم من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم القیامه انا کنا عن هذا غافلین؛ و پروردگار تو از پشت بنی‌آدم فرزندان‌شان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری. گواهی می‌دهیم تا در روز قیامت نگویند که ما از آن بی‌خبر بودیم (اعراف، آیه ۱۷۲).

۲. عزالدین کیکاووس اول، فرزند کیخسرو اول و نواده قلیچ ارسلان دوم (حاکم از ۶۰۸ - ۶۱۶ ق / ۱۲۱۱ - ۱۲۲۰م).

پادشاه سلجوقی روم در نامه‌ای بلند از او خواست که در جایگاه نماینده خداوند روی زمین، مسیحیان را از سرزمین اسلام دور کند (ر.ک: ابن عربی، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۷۰۹ - ۷۱۰؛ ابن عربی، ۱۹۰۶، ج ۲، ص ۱۹۵).

اگرچه ابن عربی عارفی رها شده از مرزها و تقسیم‌بندی‌های دینی بود و دین خود را عشق و دلش را پذیرای هر آیینی می‌دانست، مردی باتجربه و زمان‌شناس به شمار می‌رفت که به پاکیزگی و امنیت بستر و محیط حرکت معناگرایانه انسان باور داشت و از این‌رو، حضور مسلمانان را در سرزمین‌های اشغالی شرق مدیترانه بر نمی‌تابید و از آنان می‌خواست به دیار دیگری هجرت کنند:

هجرت کن و در میان کفار نمان که این کار، مایه خواری دین اسلام و برتری کفر بر توحید است؛ درحالی که خداوند فرمان پیکار داده است تا زمانی که دین خدا بر سریر عزت نشیند و آیین کافران به حبط ذلت فرو غلتد. تا می‌توانی از درآمدن به ذمه و زنهار کافر دوری کن و بدان که اگر کسی بتواند از میان کافران بیرون شود و مع ذلک در میان ایشان بماند، بهره‌ای از اسلام نبرده است؛ چه آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از چنین کسی بیزاری جسته است و البته پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از مسلمان بیزاری نمی‌جوید. آن حضرت (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «من بیزارم از مسلمانی که در میان مشرکان بماند». پیامبر برای اسلام چنین مسلمانی ارزش و اعتبار قائل نشده است. خداوند درباره کسی که میان مشرکان مرده است، می‌فرماید: «انَّ الَّذِینَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِیْ اَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِیْمَ كُنْتُمْ؟ قَالُوا: كُنَّا مُسْتَضْعَفِیْنَ فِی الْاَرْضِ. قَالُوا: اَلَمْ تَكُنْ اَرْضُ اللّٰهِ وَاَسْعٰهُ فَتَهَا جَرَوْا فِیْهَا؟ فَاُولٰٓئِكَ مَا وَاٰهُمْ جَهَنَّمَ وَاَسْعٰهُ مَصِیْرًا» (نساء، آیه ۹۷). بدین سبب ما در این زمان زیارت بیت‌المقدس و اقامت در آن را بر مردم ممنوع کرده‌ایم؛ چرا که بیت‌المقدس در دست کفار است. در آن جا کفار بر مسلمانان ولایت و حاکمیت دارند و مردم در کنار ایشان روزگار بس ناگواری را می‌گذرانند. پناه می‌بریم به خدا از حاکمیت هوای نفس! مسلمانانی که امروزه به زیارت بیت‌المقدس می‌روند و در آن جا اقامت دارند، همانند که خداوند درباره ایشان فرموده است: «ضَلَّ سَعِیْهِمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ یَحْسَبُوْنَ اَنْهُمْ یَحْسِنُوْنَ صُنْعًا» (کهف، آیه ۱۰۳). با سلام گفتن، اطعام کردن و برآوردن نیازهای بندگان مؤمن خدا، به آنان دوستی و



محبت بورز. بدان که مؤمنان همگی چونان پیکر یک انسان هستند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا بیتابی و بی‌قراری کنند. مؤمن نیز چنین است. چنانچه برادر مؤمنش به مصیبتی گرفتار آید، گویی او خود بدان گرفتار آمده است و از درد او دردمند می‌شود. اگر مؤمنی چنین نباشد پیوند برادری ایمانی میان او و ایشان نباشد. خداوند مؤمنان را برادر یک‌دیگر دانسته است؛ چنان‌که میان اندام‌های پیکر آدمی پیوند برادری ساخته است (ابن عربی، ۱۳۳۹ق، ج ۴، ص ۷۱۶ - ۷۱۸).

خرسندی او از فتح انطاکیه (۶۱۲ ق / ۱۲۱۵ م) به کوشش پادشاه سلجوقی روم نیز خواندنی است:

زمانی که سلطان ظفرمند، انطاکیه را در محاصره داشت، ما در سیواس بودیم و ماه رمضان بود. شبی خواب دیدم که سلطان منجنیق‌ها را به طرف اسکندریه نشانه رفت و آن را سنگباران کرد و رهبر قوم کشته شد. من سنگ‌ها را به آرا و اندیشه‌های صائب پادشاه تعبیر کردم و گفتم که به خواست خدا انطاکیه را خواهد گشود. شکر خدای را همان شد که در خواب دیدم و روز عید فطر انطاکیه را فتح کرد. از خواب تا فتح بیست روز فاصله شد. این واقعه در سال ششصد و دوازده رخ داد (میگوئل آسین پالاسیوس، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

این تأثیرپذیری از واقعیت‌های جامعه و دغدغه‌های عام مسلمانان، او را به عارف و صوفی برجسته‌ای بدل کرد که به صلیبیان مهاجم می‌تاخت و آرزو می‌کرد سرزمین‌های اسلامی از زیر پای اشغال‌گری آنان درآید و راه طریقت کمال انسان هموار شود؛ زیرا تا آن هنگام که در اندلس می‌زیست، دست‌درازی مسیحیان را به بیش‌تر منطقه‌های اسلامی اندلس می‌دید و در مشرق‌زمین نیز شاهد حضور صلیبیان هم‌پیمان جنبش بازپس‌گیری بود.

نتیجه

عالمان مسلمان مشرق اسلامی در سده‌های پنجم و ششم هجری دیدگاه‌های گوناگونی درباره جنگ‌های صلیبی داشته‌اند. سلمی و ابن‌عساکر که وارثان علمی و از شاگردان غزالی به شمار می‌روند (سلمی شاگرد ابوحامد غزالی و ابن‌عساکر شاگرد

سَلْمی)، کمابیش از رویکردی فعالانه در برابر جنگ صلیبی برخوردار بودند، اما ضرورت مقاومت را در برابر صلیبیان، بیش‌تر از دید فقهی و اخلاقی توجیه می‌کردند و از نگرش تقدیرگرایانه (مشیت‌نگری تاریخی) نیز برکنار نبودند. غزالی که مجدد دین اسلام در سده پنجم هجری خوانده می‌شود، به‌رغم حضورش در جغرافیای جنگ و اشغال، نگرشی فعالانه در این‌باره نداشته و از کنار این رویداد بسیار مهم به‌آرامی گذشته است. باری، عالمان دینی مغرب اسلامی (فقیهان و عارفان) بیش از مشرقیان واقع‌گرا و زمان‌شناس بوده‌اند؛ چنان‌که فقیه متصلب و کمابیش سخت‌گیری مانند ابن‌العربی یا عارف متسامح (روامدار) و وارسته‌ای مانند ابن‌عربی، در تقسیم مسائل جهانی مسلمانان به فرعی و اصلی توفیق بیش‌تری یافتند؛ یعنی هنگامی که جغرافیای اسلام در آستانه پارگی و دست‌درازی بود، درگیری‌های کلامی و فکری، کم‌تر آنان را از پرداختن به مسائل همگانی مسلمانان بازداشت. البته نزاع‌های فکری و رقابت‌های فرهنگی در مشرق بیش‌تر بوده است، اما با این ویژگی سکوت عالمان بزرگ این سرزمین‌ها را در برابر صلیبیان نمی‌توان توجیه کرد.

کتاب‌نامه

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۰)، *تاریخ ابن‌خلدون*؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲. ابن‌خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (۱۹۶۸)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر.
۳. ابن‌فارض، ابوحفص (بی‌تا)، *دیوان*، بیروت، المكتبة الثقافية.
۴. ابن‌شاکر کتبی، صلاح‌الدین ابوعبدالله محمد (۱۹۸۲)، *فوات الوفيات*؛ تحقیق بشار عواذ معروف، بیروت، بی‌نا.
۵. ابن‌عذاری (۱۹۸۳)، *البيان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، تحقیق لوی پروونسال، بیروت، دارالثقافة.
۶. ابن‌عربی، محیی‌الدین (۱۳۱۲)؛ *الذخیر و الاعلاق*؛ بیروت، بی‌نا.
۷. — (۱۹۰۶)؛ *محاضرات الابرار*، قاهره، بی‌نا.
۸. ابن‌عربی، محیی‌الدین ابوعبدالله محمد بن‌علی طایب اندلسی (۱۳۳۹ ق)، *الفتوحات المکیه فی معرفة الاسرار المکیه و*



- المکيه، قاهره، بی‌نا.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۰۴)، *الاربعون فی الجهاد*، تحقیق عبدالله بن یوسف الجدیع، کویت، دارالخلافا للکتاب العربی.
۱۰. — (۱۹۵۵)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. اعراب، سعید (۱۹۸۷)، *مع القاضی ابی‌بکر ابن‌العربی*؛ بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۱۲. اولوداغ، سلیمان (۱۳۸۴ ش)، *ابن عربی*، ترجمه داوود وفاپی، تهران، نشرمرکز.
۱۳. آسین پالاسیوس، میگوئل (۱۳۸۵)، *زندگی و مکتب ابن عربی*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۴. بی‌نا (۱۴۱۰ ق)؛ *اخبار مجموعه*، تحقیق ابراهیم الیاری، قاهره، دارالکتاب المصری.
۱۵. حامد ابوزید، نصر (۱۳۸۶ ش)، *چنین گفت ابن عربی*، ترجمه سید محمد راستگو، تهران، نشر نی.
۱۶. حنبلی، مجیرالدین (۱۹۷۳)، *الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل*، عمان (اردن)، مکتبه المحتسب.
۱۷. دجانی - شکیل، هادیه (۱۹۹۲)، *القاضی الفاضل عبدالرحیم البیسانی العسقلانی و دوره التخطيطی فی دولة صلاح الدین و فتوحاته*، بیروت، مؤسسه الدراسات الفلسطینیة.
۱۸. زبیدی، مرتضی (۱۳۱۱)، *تحاف السادة المتقین*، قاهره، بی‌نا.
۱۹. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۴)، *الاعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۰. زعبوب، عادل (۱۹۸۰)، *منهج البحث عند الغزالی*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۲۱. سبکی، تاج‌الدین (بی‌تا)، *طبقات الشافعیة الكبرى*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
۲۲. عباس، احسان (۱۹۶۸)، «رحله ابن‌العربی الی الشرق کما صورها قانون التأویل»، *مجلة الابحاث*، بیروت، الجامعه الامریکیه.

۲۳. عدّاس، کلود (۱۳۸۷ ش)؛ در جست‌وجوی کبریت احمر، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران، انتشارات نیلوفر.
۲۴. عریکیز، جمال محمد سالم خلیفه (۲۰۰۶)، *فقهاء الشام فی مواجهة الغزو الصلیبی*، قاهره، عین للدراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیة.
۲۵. عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۹ق)، *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات کیهان.
۲۶. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۴۴)، *الرد الجمیل*، تحقیق محمد عبدالله شرفاوی، قاهره، دار امین للنشر و التوزیع.
۲۷. ----- «تحفه الملوک»، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، *مجله دانشکده ادبیات، مشهد، بی‌جا.*
۲۸. فروخ، عمر (۱۹۴۸)، *التصوف فی الاسلام*، بیروت، بی‌نا.
۲۹. کرین، هانری (۱۳۸۴ ش)؛ *تخیل خلاق در عرفان ابن عربی*، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، جامی.
۳۰. مبارک، زکی (۱۹۷۰)، *الاخلاق عند الغزالی*، قاهره، دارالشعب.
۳۱. محی الدین ابن العربی، ابوبکر محمد بن عبدالله معافری اشبیلی (۱۹۹۰)، *قانون التّأویل*، تحقیق محمد سلیمانی، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۳۲. ----- (۱۳۹۲)، *احکام القرآن*، تحقیق محمد عبدالقادر طلا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۳. ----- (۲۰۰۳)، *احکام القرآن*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، بی‌نا.
۳۴. مدکور، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷ ش)، *نمادگرایی در اندیشه ابن عربی*، ترجمه داود وفایی، تهران، نشرمرکز.
۳۵. مقدسی بشاری، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱ ش)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۳۶. مقرئ تلمسانی، احمد بن محمود (۱۹۸۶)، *نفح الطیب عن غصن*



الاندلس الرطیب، تحقیق احسان عباس و محمد محیی الدین عبدالحمید،
بیروت، دار صادر.

۳۷. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۰)، دایرة المعارف بزرگ
اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

۳۸. نعیمی، عبدالقادر (۱۹۹۰)، الدارس فی تاریخ المدارس، بیروت،
دارالکتب العلمیه.

۳۹. Drory, Joseph (2004); some observation During a visit to Palestine by Ibn al-
Arabi of seville in 1092-1095, crusades, vol 3, U.S.A, SSCLE.

۴۰. Christie, Niall (2007), Motivating Listeners in the Kitabal – Jihad of "Ali ibn
tahir al – Sulami (d-1106). Crusades, Vol6, U.S.A, sscIE.

